

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سیزدهم جمادی الاول ۱۴۴۲ - دی ماه ۹۹

شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها)

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ

سلام بر تو ای دختر برترین پیامبران خدا و رسولان و فرشتگانش، سلام بر تو ای دختر بهترین مخلوقات، سلام بر تو ای بانوی بانوان جهان از گذشتگان و آیندگان، سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین خلق بعد از رسول خدا (صلوات الله و سلامه عليكم)

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) فرمودند: «من اصعد الى الله خالص عبادته اهبط الله اليه افضل مصلحته- هر که عبادت خالصش را به سوی خدا بالا فرستد، خداوند متعال بهترین مصلحتها و برکات خود را برای او تقدیر می نماید.» (تنبيه الخواطر، ص ۱۰۸)

موضوع تدبر :

عبادت خالصی که خداوند بهترین مصلحتها و برکات را به بنده خود می دهد چگونه عبادتی است؟

پاسخ:

اولین نکته در عبادت معنای عام عبادت است که نشان می دهد منحصر در رکوع و سجود و نماز نیست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً، أَفْضَلُهَا جُزْءٌ طَلَبُ الْحَلَالِ؛ - عبادت هفتاد جزء است و بالاترین و بزرگترین جزء آن کسب حلال است.» (مستدرک الوسائل ج ۱۳، ص ۱۲، ح ۱۴۵۸۵)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ مُحَرَّمٍ أَبَدَلَهُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَةً تُسْرُهُ- هر کس از حرام دوری کند، خداوند به جای آن عبادتی که او را شاد کند نصیبش می گرداند.» (بحار ج ۷۴، ص ۱۲۱)

برترین و خالص ترین عبادتها

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ- برترین عبادت مداومت نمودن بر تفکر درباره خداوند و قدرت اوست.» (کافی ج ۲ ص ۵۵)

در همین مضمون از امیرالمومنین نیز روایت شده است: «الْتَفَكُّرُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ عِبَادَةٌ الْمُخْلِصِينَ - عبادت انسان های مخلص، تفکر در ملکوت آسمان ها و زمین است.» (غرر الحکم، ۱۷۹۴)

و همچنین: « التَّفَكُّرُ فِي آلَاءِ اللَّهِ نِعَمَ الْعِبَادَةِ - تفکر درباره نعمت‌های خدا، عبادت خوبی است. » (غرر الحکم، ۱۱۴۷)

چرا برترین عبادت اندیشیدن است؟

دلیل اینکه مولی الموحدين فرمود: «أفضل العبادة الفكر-؛ برترین عبادت اندیشیدن است.» (شرح غررالحکم، ص ۳۸۱) ضرورت رسیدن به بیداری و باور قلبی است؛ زیرا بدون آن نه عبادت و نه اخلاص تحقق پیدا نمی‌کند؛

از این رو حضرت امیر (علیه السلام) با تاکید می‌فرماید: «وَلَوْ فَكَّرُوا فِي عَظِيمِ الْقُدْرَةِ وَ جَسِيمِ النِّعْمَةِ، لَرَجَعُوا إِلَى الطَّرِيقِ وَ خَافُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ-؛ اگر مردم در عظمت قدرت خدا و بزرگی نعمت‌های او می‌اندیشیدند، به راه راست باز می‌گشتند و از آتش سوزان عذاب می‌ترسیدند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵)

بنابراین روح عبادت و بندگی، این است که انسان ببیند همه چیز ملک خداوند است و از اینکه او را غرق در نعمت‌های خود کرده است شاکر او باشد و بندگی و تبعیت از او را در همه ارکان زندگی خود، نسبت به پیروی از هوا و هوس برگزیند و خواست و رضای مولایش را با چیزی معاوضه نکند .

شکر نعمت از جمله برترین عبادتها

اهل تفکر می‌فهمند که چگونه باید از نعمت عمر بهره برد و چگونه شاکر نعمتهای الهی باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى عِبَادَةٌ تَعَبَّدَ بِهَا عِبَادُهُ الْمُخْلِصُونَ أَفْضَلَ مِنَ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ لَأَطْلَقَ لَفْظَةً فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلُ مِنْهَا خَصَّهَا مِنْ بَيْنِ الْعِبَادَاتِ وَ خَصَّ أَرْبَابَهَا فَقَالَ «وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشُّكُورِ- اگر نزد خداوند عبادتی بهتر از شکرگزاری در همه حال بود که بندگان مخلصش با آن عبادتش کنند ، هر آینه آن کلمه را درباره همه خلقش به کار می برد ، اما چون عبادتی بهتر از آن نبود از میان عبادات آن را خاص قرار داد و صاحبان آن را ویژه گردانید و فرمود : «واندکی از بندگان من سپاسگزارند»(مصباح الشریعه ص ۲۴)

از این بیان فهمیده می‌شود که از جمله بهترین عبادتها شکر نعمتهای خداست که هم لسانی و هم قلبی و هم عملی ادا شود . شکر عملی مهمترین شکر است که بهره‌گیری از نعمت‌ها در همان راهی است که خداوند آن نعمت را برای آن خلق کرده است.

امیرالمؤمنین(ع) شنیدند که یک نفر دنیا را سرزنش می‌کند فرمود: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا، وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا، وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا. مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ، وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ، وَ مَهْبُطُ وَحْيِ اللَّهِ، وَ مَنَجَّرُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. اكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ، وَ رَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ - دنیا خانه راستی است برای کسی که آن را راستگو انگاشت، خانه تندرستی است برای آن که شناخت و باورش کرد و خانه بی‌نیازی است برای کسی که از آن توشه اندوخت و خانه پند است برای آن‌که از آن پند اندوخت. مسجد محبان خداست، نمازگاه فرشتگان او و فرودگاه وحی خدا و محل تجارت دوستان او

تفاوت بیداردلان و کوردلان

مؤمن در عین زندگی، کار، تلاش و بهرهمندی از دنیا، باید از بندهای آن آزاد باشد.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئاً وَالْبَصِيرُ يَنْقُذُهَا بَصَرُهُ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا. فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَالْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ - همانا دنیا نهایت دیدگاه کوردلان است که آن سوی دنیا را نمی‌نگرند، اما انسان آگاه، نگاهش از دنیا عبور کرده از پس آن، سرای جاویدان آخرت را می‌بیند. پس انسان آگاه به دنیا دل نمی‌بندد و انسان کوردل تمام توجه‌اش دنیا است. بینا از دنیا زاد و توشه برگیرد و نابینا برای دنیا توشه فراهم می‌کند.» (خطبه ۱۳۳، نهج البلاغه)

حاصل تفکر رسیدن به معرفت و حاصل معرفت، انتخاب راه نجات است.

از این رو رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ هِمَّتُهُ فِي الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْعِبَادَةِ وَ الْمُنَافِقُ هِمَّتُهُ فِي الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ كَالْبَهِيمَةِ - هَمَّتْ مُؤْمِنٌ فِي نَمَازٍ وَ رُزَةٍ وَ عِبَادَةٍ اسْتَوَتْ هَمَّتْ مُنَافِقٌ فِي خُورْدِنِ وَ نُوشِيدِنِ؛ مانند حیوانات.» (مجموعه ورام ج ۱ ص ۹۹)

نصایحی که شنیده نشد و چه ظلم‌هایی که...

هنوز فریاد مولای عارفان در گوش تاریخ طنین افکن است خطاب به مردمی که نصایح او را نشنیدند و به آن عمل نکردند و چه ظلم‌ها که در جواب خیرخواهی‌ها و هدایت‌های او دادند: «عِبَادَ اللَّهِ، الرَّحِيلَ عَنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ، عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالُ وَلَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ وَلَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ فِيهَا الْأَمَدُ... - ای بندگان خدا، تصمیم کوچ نمودن از سرایی را بگیرید که سرانجام به نیستی می‌گراید. مبدا آرزوها به شما چیره گردد. خیال نکنید عمر طولانی خواهید داشت... ای بندگان خدا، هم‌اکنون که ریسمان‌های مرگ، بر گلوی شما نیفتاده و روح شما برای به دست آوردن کمالات، آزاد است و جسدها راحت هستند و در وضعی قرار دارید که می‌توانید مشکلات را با کمک یکدیگر حل کنید و هنوز مهلتی دارید و جای تصمیم و توجه و بازگشت از گناه، باقی مانده، از فرصت استفاده کنید...» (نهج البلاغه، خطبه ۵۲)

غاصبان خلافت نصایح او را نشنیدند تا آنجا که فاطمه (س) از امت ساکت و بی تفاوت و از آن دو به درگاه پروردگار خود شکوه‌ها کرد...

روضة : شهادت بزرگ بانوی عالم

او که تنها به خداوند عشق می‌ورزید و به هیچ کس جز او دل نبسته بود. در حمایت از امامش که تنها و غریب مانده بود، هر چه می‌توانست انجام داد؛

ولی اندوه و دردی بی پایان دلش را می‌آزرد؛ چرا که با زیر پا گذاشتن فرمان خدا بر امامت علی (علیه السلام) نمی‌توانست آرام باشد.

رویداد های تلخ، دوری از پدر، وضعیت روحی سخت، روز به روز پیکرش را آب می‌کرد، هنگام یورش حاکمان غاصب به خانه‌اش، آسیب دیدن میان درب و دیوار، سقط شدن محسنش...

هیچ شکوه‌ای از بیماری نداشت ولی تازیانه‌های بیشماری که بر جان و روحش نشسته بود، در بستر بیماری و شهادت، اشک‌هایش را درآورد،

علی پرسید فاطمه جان چرا گریه می‌کنی؟ پاسخ داد: « أَبْكِي بِمَا تَلْقَى بَعْدِي؛ به خاطر آنچه پس از من به تو رسید، می‌گیرم. » حضرت فرمود: « لَا تَبْكِي! فَإِنَّ اللَّهَ ذَلِكَ لَصَغِيرٌ عِنْدِي فِي ذَاتِ اللَّهِ تَعَالَى؛ گریه مکن! سوگند به خدا که اینگونه سختیها در راه خدا برای من ناچیز است. » (امالی صدوق، ص ۱۵۳، ح ۸)

راضی به هر قضای خدا می‌روی علی	چون نوح سمت موج بلا می‌روی علی
دارم به فتح خیبر تو فکر می‌کنم	با دستهای بسته کجا می‌روی علی
ای سرشناس شهر، برای تو خوب نیست	مسجد چرا بدون عبا می‌روی علی
آشفته حال فاطمه ی پشت در نباش	قدر خودت به هول و ولا می‌روی علی
آینه ی شکسته ی این کوچه ها منم	از من شکسته تر تو چرا می‌روی علی

لا حول ولا قوة الا بالله